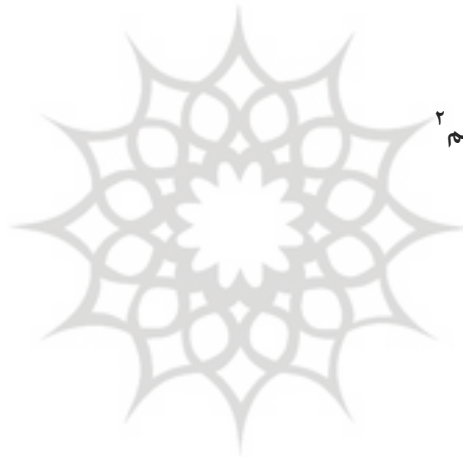


بررسی پشتوانه های قرآنی زیارت اربعین با تاکید بر موضوع «عهد»

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: مهر ۱۳۹۹



مجید معارف^۱، آروین فرشی نعیم^۲

^۱ استاد دانشکده الهیات، دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم حدیث

نویسنده مسئول:

مجید معارف

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

قرآن کریم با معرفی جهاد کنندگان در راه خداوند به عنوان وافیان عهد الهی، ایشان را احیاء کنندگان معارف قرآن کریم و ناصران دین خداوند می خواند. آنچه در قیام اباعبدالله (ع) و بخشی از فلسفه قیام آن حضرت وارد شده است، حداقل در سه قسم قابل ذکر است که طبق آیات قرآن کریم هر سه مورد جزئی از عهد ها و وعده های میان بنده و معبود به حساب می آید. گویی یک عهد دو طرفه ای میان خداوند و امام حسین (ع) به عنوان سید مجاهدان در راه خدا و احیاء کننده معارف قرآن کریم منعقد بوده است و خواننده شهادت می دهد که امام حسین (ع) به عهدی که با خداوند داشته است عمل نموده و در مقابل خداوند تعالی هم به عهد خود وفا کرده است. بر همین اساس، نوشتار حاضر با بهره گیری از آیات قرآن کریم و روایات و محور قرار دادن موضوع عهد به بررسی پشتوانه های قرآنی زیارت اربعین پرداخته است.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، زیارت اربعین، عهد.

مقدمه

دو مورد زیارت اربعین در منابع روایی و تاریخی وارد شده است که یکی از آنها غیر ماثور بوده و به جابر بن عبد الله انصاری نسبت داده شده است و دیگری ماثور است و از امام صادق (ع) نقل شده است. این زیارت ماثور را شیخ طوسی در تهذیب بطور مسند و به شرح ذیل نقل کرده است: «اخبِرنا جماعة من اصحابنا عن ابي محمد هارون بن موسى بن احمد التلعكبري قال حدثنا محمد بن علي بن معمر قال حدثني ابوالحسن علي بن محمد بن مسعدة والحسن بن علي بن فضال عن سعدان بن مسلم عن صفوان بن مهران الجمال قال الی مولای الصادق» (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳). علاوه بر آن این زیارت شریف را مرحوم علامه مجلسی به نقل از تهذیب شیخ طوسی و با همان سلسله سند نقل کرده است (مجلسی، ج ۹۸، ص ۳۳۱).

بررسی فراز های زیارت اربعین

زیارت اربعین دارای ۴ فراز اصلی است که می توان این ۴ فراز را به دو فراز دارای سلام و دو فراز دارای شهادت تقسیم کرد. فراز اول با سلام های گوناگون به امام حسین (ع) آغاز می شود که در هر کدام صفتی از صفات اباعبدالله (ع) شمرده شده است.

فراز دوم با شهادت به ولایت امام حسین(ع) و ولایت پدر بزرگوارشان آغاز می شود و با برشمردن صفات دیگری از ایشان ادامه یافته و با توضیحاتی در باب قیام اباعبدالله (ع) و اتمام حجت و خیرخواهی ایشان برای خروج بندگان از جهالت و گمراهی و برشمردن صفات دشمنان امام حسین(ع) و لعن آن ها پایان می یابد.

فراز سوم هم با سلام آغاز شده و با اقرار به سعادت امام حسین (ع) و مظلومیت ایشان به پایان می رسد. فراز چهارم این زیارت هم با شهادت بر وفای عهد الهی نسبت به امام حسین(ع) آغاز و با صلوات بر اباعبدالله (ع) به پایان می رسد.

متن زیارت اربعین

به طوری که زیارت اربعین فراز های مختلفی دارد که فقره های مختلف آن پشتوانه های قرآنی متعددی دارد اما این مقاله تنها به مسئله عهد میان بندگان و خداوند می پردازد. در یکی از فقره های این زیارت می خوانیم: **وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَمَهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمَعْدَبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ**. این عبارت از زیارت اربعین نشان می دهد که گویی یک عهد دو طرفه ای میان خداوند و امام حسین (ع) منعقد بوده است و خواننده شهادت می دهد که امام حسین (ع) به عهدی که با خداوند داشته است عمل نموده و در مقابل خداوند تعالی هم به عهد خود وفا کرده است.

موضوع عهد که در زیارت اربعین هم به عنوان یک عهد و پیمان دو طرفه ی منعقد و وفا شده ذکر شده است، پشتوانه قرآنی و روایی فراوانی دارد. در قرآن کریم عهدهای میان خداوند و بندگان به صورت های گوناگونی مطرح شده است.

عهد در قرآن کریم

عهد های مابین انسان با خدا در قرآن کریم را از جهتی می توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- عهد کلی میان خدا و انسان

عهد های کلی، عبارت از عهد هایی است که بین خداوند و همه انسان ها منعقد شده است؛ این عهد ها به صورت جامع و مطلق در قرآن کریم وارد شده است و به یک معنا قرآن کریم معاهده میان انسان و خداوند است. امام صادق (ع) می فرماید: **القرآن عهد الله إلى خلقه، فقد ينبغى للمراء المسلم أن ينظر في عهده، وأن يقرأ منه في كل يوم خمسين آية (کلینی: ج ۲، ۶۱۰).**

علاوه بر قرآن کریم که معاهده کلی بین انسان و خداوند است در برخی از آیات مصادیقی از عهد های میان خداوند و همه ی آدمیان به طور عام ذکر شده است و نشان می دهد انعقاد آن عهد و پیمان نسبت به شخص یا گروه خاصی بیان نشده است بلکه به طور عام جنس انسان در آن عهد مطرح است.

أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس، ۶۰، ۶۱)؛ یعنی: ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مهرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست و اینکه مرا بپرستید این است راه راست.

۲- عهد های خاص

بخش دیگری از عهد و پیمان هایی که در قرآن کریم مطرح است عهدهای خاص است یعنی مخاطب عهد و پیمان قوم و گروه خاصی هستند؛ به عنوان مثال به چند نمونه قرآنی اشاره می شود:

- وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ * وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (البقره، ۸۳ و ۸۴).

- وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۗ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (المائدة، ۱۲).

البته آیاتی که شان نزول یا مخاطب خاص دارند لزوماً به این معنا نیستند که مفاد آن آیات، فرد یا گروه های خاص بوده و برای دیگران خالی از فائده باشند بلکه علمای علوم قرآن و اصولیین غالباً عموم لفظ را بر خصوص سبب ترجیح داده و عموم لفظ را مفید پیام رسانی قرآن کریم می دانند.

ضمناً در عهد و پیمان های قرآنی گاه مفاد عهد به صورت دو جانبه و گاه برخی از عهد ها به صورت یک جانبه از طرف خداوند بیان شده است. نمونه هایی از این معاهدات به قرار زیر است.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ ۖ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۖ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ۖ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي بَاعْتُمْ بِهَا ۖ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبه، ۱۱۱).

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَإِنِّي فَارَهُبُونَ (البقره، ۴۰).
فَازْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (البقره، ۱۵۲).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد، ۷).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ۖ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ۖ ذَٰلِكُمْ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (الصف، ۱۰ الى ۱۲).

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغْيَ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج، ۴۰).

به طور کلی اولاً قرآن کریم به عنوان عهد کلان الهی معرفی شده است و ثانياً عهد و میثاق میان خداوند تعالی با بندگان، متعدد در قرآن کریم تکرار شده است اما برای برقراری ارتباط میان آیات عهد و میثاق در قرآن کریم با عهد و میثاقی که در زیارت اربعین ذکر شده لازم است ابتدا به فلسفه قیام امام حسین (ع) پرداخته شود.

امام حسین (ع) هنگام خروج از مدینه در نامه ای به برادرش محمد حنفیه فلسفه قیام خود را اینگونه تشریح کرده اند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذَا مَا أَوْصَىٰ بِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَىٰ أَخِيهِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الْحَنْفِيَّةِ أَنْ الْحُسَيْنَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَىٰ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّىٰ يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، وَهَذِهِ وَصِيَّتِي يَا أَخِي إِلَيْكَ وَمَا تَوَفَّقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (ابن اعثم كوفي، ج ۵، ص ۲۱؛ خوارزمي، مقتل ۱۸۹ - ۱/۱۸۸).

ترجمه:

به نام خداوند بخشنده و مهربان. این وصیت حسین بن علی بن ابی طالب به برادرش محمد، معروف به ابن حنفیه است. حسین گواهی می دهد که معبودی جز خدای یگانه نیست و شریک ندارد و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول خدا است و آیین حق را از سوی حق آورده است و اینکه بهشت و جهنم حق است و قیامت بدون شک به وقوع خواهد پیوست و خداوند، همه کسانی را که در قبرها هستند زنده می کند؛ [بدانید] من برای سرکشی و خوشگذرانی و فساد و ستم [از مدینه به سوی کربلا] خارج نشدم؛ بلکه فقط برای دنبال کردن اصلاح امت جدّم [قیام کردم و] خارج شدم و تصمیم گرفته ام که امر به معروف و نهی از منکر نمایم و سیره جدّم [رسول خدا صلی الله علیه و آله] و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام را دنبال

نمایم؛ پس هر کس این حقیقت را از من بپذیرد [او از من پیروی کند]، پس خدا اولای به حق است [او از خدا پیروی کرده] و هر کس حق را بر من رد کند [او تخلف نماید]، صبر می کنم تا خداوند بین من و این قوم حکم کند که او بهترین حاکمان است. و این وصیت من است به تو ای برادر. و توفیق من جز به خدا نیست، بر او توکل می کنم و به سوی او می روم.

همچنین امام حسین (ع) در نامه ای به جمعی از بزرگان بصره به بدعت‌های موجود در جامعه اشاره کرده، و هدفش را از قیام بر ضد حکومت یزید، احیای کتاب و سنت و مبارزه با بدعت‌ها معرفی می کنند:

وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيَتْ وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَ إِنِ اسْتَمِعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي، أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (طبري، ج ۴، ص ۲۶۶ و مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۴۰)؛ من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می خوانم؛ چرا که (این گروه) سنت پیامبر را از بین برده و بدعت (در دین) را احیا کردند. اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می کنم.

از مجموع این سخنان به دست می آید که بخشی از فلسفه قیام و جهاد امام حسین (ع) موارد ذیل بوده است:

- ۱- اصلاح انحرافات و امر به معروف و نهی از منکر
- ۲- احیاء معارف دین و به طور خاص قرآن و سنت
- ۳- مبارزه با بدعت‌ها

حال باید به این سوال پاسخ داد که ارتباط عهد الهی با قیام اباعبدالله (ع) چه بوده است و طبق مبانی قرآنی چرا خواننده زیارت اربعین به وفای به عهد امام حسین (ع) در قبال خداوند و متقابلاً وفای عهد خداوند در قبال امام حسین (ع) شهادت می دهد؟

آنچه در قیام اباعبدالله (ع) و بخشی از فلسفه های قیام آن حضرت طبق نقل های مذکور مسلم شد حداقل در سه قسم قابل ذکر است که طبق آیات قرآن کریم هر سه مورد جزئی از عهد ها و وعده های میان بنده و معبود به حساب می آید:

۱- جهاد

قیام امام حسین (ع) مصداق تامی برای جهاد در برابر دشمنان و بدعت گذاران دین الهی بوده است که اتفاقاً قرآن کریم مسئله جهاد را به عنوان عهد معرفی می نماید.

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ضمن اینکه سیاق آیات ۱۱۱ تا ۱۲۳ سوره توبه را جهاد می داند ذیل تفسیر آیه ۱۱۱ سوره توبه می فرماید:

خدای سبحان در این آیه به کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می کنند وعده قطعی بهشت می دهد و می فرماید که این وعده را در تورات و انجیل هم داده، همانطور که در قرآن می دهد.

خداوند این وعده را در قالب تمثیل بیان نموده و آن را به خرید و فروش تشبیه کرده است، یعنی خود را خریدار و مؤمنین را فروشنده و جان و مال ایشان را کالای مورد معامله و بهشت را قیمت و بهاء و تورات و انجیل و قرآن را سند آن خوانده است، چه تمثیل لطیفی بکار برده است؛ و در آخر مؤمنین را به این معامله بشارت داده و به رستگاری عظیمی تهنیت گفته است (طباطبائی، ج ۹، ص: ۵۳۹).

زمانی که قرآن کریم در آیه ۱۱۱ سوره توبه: (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ) از جهاد و جهاد کنندگان سخن به میان می آورد در ادامه از آن با عنوان وفای به عهد نام می برد (وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۖ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) بنابر این جهاد در ادبیات قرآنی نوعی عهد محسوب می شود و مجاهدان قی سبیل الله اهل وفای به عهد خواهند بود.

۲- احیاء قرآن کریم و سنت نبوی و علوی

همانطور که گذشت طبق روایت امام صادق (ع) (کلینی، ج ۲، ۶۱۰) قرآن کریم عهد الهی میان بندگان شمرده می شود و احیاء آن احیای عهد الهی است.

۳- نصرت و ذکر دین خدا

اصلاح انحرافات ایجاد شده در دین خدا و قیام برای اعاده اسلام ناب نبوی مصداق ذکر و نصرت دین خداست که طبق آیات ۱۵۲ سوره بقره، آیه ۷ سوره محمد و آیه ۴۰ سوره بقره متقابلاً مستلزم نصرت، ذکر و وفای عهد الهی نسبت فاعل آن افعال خواهد شد.

بررسی دلایل وجود لعن در زیارت اربعین

لعن به عنوان یکی از مصادیق اظهار برائت نسبت به دشمنان خدا و دشمنان دوستان خدا ریشه قرآنی دارد که بحث در باب آن مقصود این مقاله نیست بلکه به طور خاص به دنبال ریشه های قرآنی لعن دشمنان امام حسین (ع) در زیارت اربعین خواهیم رفت. در این جهت مشخصاً می توان گفت از جمله کسانی که در قرآن به لعن الهی دچار شده اند، ناقضان عهد الهی و تارکان امر به معروف و نهی از منکر هستند و اگر در نظر بگیریم که در هدف های قیام امام حسین (ع) وفای به پیمان های الهی و احیاء امر به معروف و نهی از منکر بوده در می یابیم که چرا در زیارت اربعین دشمنان امام حسین (ع) مورد لعن و نفرین قرار گرفته اند به توضیح دیگر:

الف) وقتی امام حسین (ع) به عنوان عمل کننده و بلکه بالاتر از آن زنده کننده عهد الهی مورد قبول قرار گرفت، قهراً دشمنان ایشان و کسانی که عهد و پیمان خود را نسبت به دعوت امام حسین (ع) نقض کردند، ناقضان عهد و پیمان الهی شمرده خواهند شد و مستحق لعن خواهند شد به این دلیل که خداوند در آیه ۱۲ سوره مائده، نخست به عهد و پیمان بنی اسرائیل اشاره می کند و می فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۚ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» در ادامه و در آیه ۱۳ همان سوره ناقضان آن عهد و میثاق را مورد لعن قرار می دهد و می فرماید: (فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً).

ب) چنانکه مکرر گذشت یکی از اهداف قیام امام حسین (ع) امر به معروف و نهی از منکر بود (ابن اعثم کوفی، ج ۵، ص ۲۱؛ خوارزمی، مقتل ۱۸۹ - ۱/۱۸۸) و در این صورت قهراً جبهه مقابل ایشان تارکان امر به معروف و نهی از منکر بلکه عاصیان و عاملان منکر شناخته می شوند. قرآن کریم طی آیات ۷۸ و ۷۹ سوره مائده تارکان نهی از منکر را مورد لعن قرار داده است. لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (المائده، ۷۸ و ۷۹).

نتیجه گیری

قرآن کریم جهاد کنندگان در راه خداوند را وافیان عهد الهی می داند و از طرف دیگر احیاء معارف قرآن کریم و نصرت دین خداوند افعالی هستند که مطابق با آیات و روایات فاعل آن را مستلزم وفای عهد الهی نسبت به او خواهند کرد. امام حسین (ع) به عنوان سید مجاهدان در راه خدا، احیاء کننده معارف قرآن کریم به عنوان عهد الهی میان بندگان و ذکر و نصرت دین الهی به عهد خود نسبت به پروردگارش عمل کرده است و بنابر آیه شریفه و من اوفی بعهدی اوف بعهدکم خداوند تعالی هم به عهد و پیمان و وعده های خود متقابلاً وفا کرده است. به همین علت در زیارت اربعین خواننده نسبت به وفای عهد خداوند نسبت به امام حسین (ع) و امام حسین (ع) نسبت به خداوند تعالی شهادت می دهد.

منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، دارالأضواء، ۱۴۱۱ ق.
۳. خوارزمی، موفق بن أحمد، مقتل الحسين (ع)، أنوار الهدی ۱۴۲۳ ق.
۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن (فارسی)، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الرّسل و الملوک.
۶. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام (تحقیق خراسانی)، دارالکتب الاسلامیة، ۴۰۷ ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الاسلامیة)، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۸. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار (ط - بیروت)، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.